



■ امام موسی صدر
■ موسسه صدر
■ ۳۵۰ صفحه

این کتاب در سه فصل تنظیم شده است: فصل نخست به اصول عقاید، جهان‌بینی، ارزش‌ها، اخلاق و تاریخ اسلام می‌پردازد. فصل دوم کتاب گزارشی است از احیای هویت، حرکت و شخصیت شیعیان در لبنان. فصل سوم کتاب به معرفی دشمن مشترک و تمهیدات جمعی، ملی و فراملیتی می‌پردازد که برای مبارزه با اسرائیل و حمایت از ملت مظلوم فلسطین صورت گرفته است.

ادیان در خدمت انسان



■ امام موسی صدر
■ موسسه صدر
■ ۴۰۸ صفحه

این کتاب دومین جلد از مجموعه کتاب‌های در قلمروی اندیشه امام موسی صدر است که مشتمل بر ۲۹ مقاله، سخنرانی و گفت‌وگو از امام صدر درباره دین، انسان، اسلام، تربیت، عبادت، تشیع، آزادی و... است. نام کتاب از موضوع سخنرانی تاریخی امام موسی صدر در کلیسای کبوشین بیروت اقتباس شده است که امام موسی صدر برای موعظه آغاز روزه به این کلیسا دعوت شده بود.

رهیافت اقتصادی اسلام



■ امام موسی صدر
■ موسسه صدر
■ ۲۹۲ صفحه

این کتاب در سه فصل تنظیم شده و مقدمه‌ای در ۲۰ صفحه نیز به قلم دکتر سیدکاظم صدر، استاد بازنشسته دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در آن منتشر شده است. فصل نخست مجموعه مقالات فارسی امام موسی صدر است که به قلم ایشان در مجله مکتب اسلام به چاپ رسیده است. مجله‌ای که او با جمعی از دیگر حوزویان تاسیس کرده بود و در نوع خود حرکتی بدیع در تاریخ حوزه‌های علمیه به شمار می‌آید.

الگوی متمدنانه رفتار شیعی

درباره الزامات تمدن‌سازی در اندیشه امام موسی صدر



شیرف لکزایی
نویسنده و پژوهشگر

تمدن‌سازی نیازمند نهادسازی و ایجاد ساختارهای متناسب خود است. نمی‌توان با نهادهای ناکارآمد و ساختارهای کهنه و مطلق‌انگارانه - که نظم و آزادی و قانون را بر نمی‌تابند - به سمت تمدن حرکت کرد؛ به‌ویژه نهادها و موسساتی که جنبه مردمی دارند، می‌توانند با حمایت و همکاری نهادها و موسسات رسمی و دولتی به این سمت‌وسو حرکت کنند. در ادامه، به چند الزام مهم تمدن‌سازی، که اهمیت بیشتری دارند و در کلام امام موسی صدر هم مورد توجه بوده‌اند، اشاره می‌شود.

وجه اهمیت عدالت در فکر امام صدر، جدا از وضعیت و شرایط طوایف موجود در لبنان، به‌سبب اهمیتی است که در خود عدالت نهفته است. صدر از آن‌رو به ستایش عدالت می‌پردازد که ساخت و پرداخت یک جامعه، با عدالت انجام می‌گیرد؛ و همان‌گونه که تلاش و کاژ تاریخ را می‌سازد، عدالت نیز تاریخ‌ساز است: «تنها در پرتو عدالت است که میهن ساخته می‌شود؛ عدالت در رفتار و داوری، و گفتار و قضاوت. با عدالت است که تاریخ ساخته می‌شود.» ایشان در مباحث خود درباره عدالت، عدالت را هدف نمی‌دانند؛ بلکه عدالت هم وسیله‌ای است برای امکان بخشیدن به تکامل انسان، که جهان هستی خود برآیندی از عدالت است.

آزادی، به‌رسمیت شناختن توانایی‌های انسان است. آزادی است که ظرفیت‌های انسان را بروز و ظهور می‌دهد و در جامعه منعکس و منتشر می‌کند. از این‌رو، آزادی می‌تواند با تبدیل ظرفیت‌های آدمی، به تمدن‌سازی کمک کند. مسیر پیمایش جامعه به‌سمت تمدن، با بهره‌مندی از آزادی ممکن است. بنابراین، صدر بر این نظر است که تمدن با اراده آزادانه انسان - که خود موضوع و غایت تمدن است - به‌وجود می‌آید. لازم است توجه داده شود که صدر آزادی را مجموعه‌ای از توانایی‌ها قلمداد می‌کند که می‌تواند انسان را به‌سمت دلخواه او حرکت دهد. این حرکت در نگاه او باید واجد تفسیری الهی و توحیدی از جهان هستی باشد. به باور

آزادی، خود تضمین‌کننده آزادی است؛ و باید گفت که آزادی، تضمین‌کننده امنیت هم می‌تواند باشد.

صدر در زمینه برابری، نگاه روشنی دارد. اساساً به‌نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین برنامه‌های او در لبنان، افزون بر استقرار عدالت، از میان بردن تبعیض و نابرابری و تلاش برای کسب برابری در حقوق برای همه طوایف بوده است: «خداوند قائل به سیاه و سفید نیست؛ خصوصاً در منطق قرآن کریم، که می‌فرماید: نه عرب بر عجم برتری دارد و نه سفید بر سیاه، مگر به تقوا. در منطق قرآن، مقصود از واژه انسان، همه بشر است.»

شاید بتوان گفت یکی از مؤلفه‌هایی که می‌تواند به پیدایش تمدن کمک کند، نفی نژادپرستی جامعه است. جامعه‌ای که در دام نژادپرستی بیفتد، گام‌هایی به‌سمت نابرابری برداشته است و نمی‌تواند پله‌های تمدن‌سازی را طی کند. صدر، البته با درک ضرورت‌ها و واقعیت‌های جامعه لبنان، با این مسئله نیز به روشنی برخورد کرده است. ایشان ضمن پذیرش تفاوت‌های نژادی و تأکید بر بهره‌گیری از همه ظرفیت‌هایی که در نژادهای مختلف نهفته است، به‌روشنی به نفی نژادپرستی حکم می‌کند و بر مبنای روایتی از پیامبر اکرم (ص) بر این نظر است که «مردمان چون دانه‌های شانه در برابرش مساوی‌اند. بنابراین، هر انسانی به اندازه عملش یا به‌تعبیر قرآن، بر اساس یکی از موازین سه‌گانه، به خدا نزدیک می‌شود؛ بر اساس تقوا یا جهاد یا علم.» بنابراین، می‌توان

صدر، هیچ‌کس نمی‌تواند در جامعه محروم از آزادی خدمت کند؛ توانایی‌هایش را پویا سازد و موهبت‌های الهی را بیوراند. آزادی در چنین‌نگاهی، به‌رسمیت شناختن کرامت انسان و خوش‌گمانی به اوست؛ و فقدان آزادی، بدگمانی به انسان و کاستن از کرامت و منزلت اوست. باید اشاره کرد که حرکت به‌سمت تمدن در فقدان آزادی و سلب و محدودسازی آن، ممکن نیست. در واقع، اصل آزادی می‌تواند خود ضمانت مناسبی برای آزادی باشد: «صیانت از آزادی ممکن نیست، مگر با آزادی.»

پیشرفت در مرحله نخست، و تمدن‌سازی در ادامه، در جایی حادث می‌شود که دارای ثبات و امنیت باشد. شرط اصلی و اساسی و ظرف بروز و ظهور تمدن، وجود فضای آرام و ایمن است. نهایت چیزی که می‌توان گفت، در تمدن‌سازی نیاز است که جامعه واجد آرامش نسبی باشد و اتفاق نظری داشته باشد و جامعه با حضور حداکثری مردم و با امنیت به‌پیش برود. صدر از این وضعیت با عنوان «استقرار جامعه» سخن می‌گوید. این استقرار، آن‌گونه که صدر تفسیر می‌کند، هم به‌معنای یک‌جانشینی در برابر باده‌نشینی است که مدنیت را به‌همراه دارد و هم به‌معنای وجود امنیت برای پیشبرد جامعه و پیدایش تمدن است. طبیعی است که امنیت نباید باعث مخدوش شدن آزادی شود؛ و از سوی دیگر، به‌بهانه امنیت و نظم، نباید آزادی سلب و محدود شود. به تعبیر صدر، آزادی محدود‌شدنی نیست؛